چون دو گروه، همدیگر را دیدند، یاران موسى گفتند: «ما قطعاً گرفتار خواهیم شد.» (61) گفت: «چنین نیست، زیرا پروردگارم با من است و به زودى مرا راهنمایى خواهد کرد.» (62) پس به موسى وحى کردیم: «با عصاى خود بر این دریا بزن.» تا از هم شکافت، و هر پاره‌اى همچون کوهى سترگ بود. (63) و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم. (64) و موسى و همه کسانى را که همراه او بودند نجات دادیم؛ (65) آنگاه دیگران را غرق کردیم. (66) مسلماً در این [واقعه‌] عبرتى بود، و[لى‌] بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند. (67) و قطعاً پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (68) و بر آنان گزارش ابراهیم را بخوان. (69) آنگاه که به پدر خود و قومش گفت: «چه مى‌پرستید؟» (70) گفتند: «بتانى را مى‌پرستیم و همواره ملازم آنهاییم.» (71) گفت: «آیا وقتى دعا مى‌کنید، از شما مى‌شنوند؟ (72) یا به شما سود یا زیان مى‌رسانند؟» (73) گفتند: «نه، بلکه پدران خود را یافتیم که چنین مى‌کردند.» (74) گفت: «آیا در آنچه مى‌پرستیده‌اید تأمّل کرده‌اید؟ (75) شما و پدران پیشین شما؟ (76) قطعاً همه آنها -جز پروردگار جهانیان- دشمن منند. (77) آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم مى‌کند، (78) و آن کس که او به من خوراک مى‌دهد و سیرابم مى‌گرداند، (79) و چون بیمار شوم او مرا درمان مى‌بخشد، (80) و آن کس که مرا مى‌میراند و سپس زنده‌ام مى‌گرداند، (81) و آن کس که امید دارم روز پاداش، گناهم را بر من ببخشاید.» (82) پروردگارا، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرماى، (83)